

وصیتنامه شهید غلامرضا ترابیان

تا آخرین فشنگم با دشمن بعثی خواهم جنگید

بسمه رب الشهداء و الصدیقین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا نمایید و با اطاعت از او در پی برقراری پیوند با او باشید و در راه او جهاد کنید، باشد که نیکبخت شوید. مائده آیه 35

خدمت پدر ارجمندم امیدوارم سلام بی آرایش فرزندت را که از اعماق قلبم سرچشمه می گیرد و از فرسنگها راه دور که از جبهه غرب کشور عزیزمان است را پذیرا باشید.

ضمن عرض سلام به برادران عزیز و عزیزتر از جانم باید به عرض همگی برسانم این آخرین نامه من است که بخدومتان ارسال می دارم چون حمله ای در پیش داریم که به خواست خدا به زودی آغاز می شود و از آنجائیکه حق بر باطل همیشه پیروز بوده و خواهد بود بعد از حمله امیدوارم که بتوانم برای آوردن مژده پیروزی پنج روز مرخصی بگیرم و از نزدیک دیداری باهم تازه کنیم و اگر تا یک ماه از من خبری نشد بدانید که برای همیشه از شما دور شده و خداحافظی می نمایم. همگی شما را به خداوند بزرگ می سپارم.

پدر جان گرچه بر حسب ظاهر ناراحت می شوید اما امیدوارم که باطناً خوشحال باشید و نزد دوست و دشمن سرافراز باشد. پدر جان از گریه کردن تو برای من سودی نیست اما بدانکه به مولایم علی (ع) سوگند یاد می کنم که تا آخرین فشنگم با دشمن بعثی می جنگم و اگر هم فشنگم تمام شود هرگز تسلیم دشمن نخواهم شد.

بحمدالله خود می دانم این راه مقدس است که امیدوارم این حقیر هم لیاقت شرکت در این راه مقدس را داشته باشم و به ندای رهبر عزیزمان امام امت لبیک گفته باشم.

به امید پیروزی کامل سربازان اسلام بر قوای کفر، صدام و حامیان شرق و غرب ان شاء الله

از طرف سرباز وظیفه غلامرضا ترابیان